

## روابط ایران و آمریکا (۱۳۲۴-۱۳۲۰ ش.) بر پایه اسناد

مرجان برهانی<sup>۱</sup>

### چکیده

هر چند که ایرانیان از دیر باز با آمریکا این آشنایی داشتند، اما دوری مسافت میان دو کشور و رقابت روسیه و انگلستان، مانعی بر سر راه روابط دو کشور بود. وقوع جنگ جهانی دوم و رسیدن دامنه آن به ایران، مرحله‌ای مهم در روابط دو کشور پدید آورد. متفقین، علی‌رغم اعلام رسمی بی‌طرفی ایران، کشورمان را اشغال کردند. آمریکا برای کمک به دولت‌های متفق، ارتش خود را وارد ایران کرد و این مسأله، باب مداخله این کشور را در ایران گشود. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد آرشیوی، در پی پاسخ به این پرسش است که پیامدهای حضور آمریکایی‌ها در جنگ جهانی دوم بر کشور ایران چه بود؟ بر اساس یافته‌های پژوهش، ایالات متحده آمریکا در این برهه زمانی با کمک مالی به ایران از طریق قانون وام و اجاره و نیز فرستادن مستشار مالی برای مساعدت و معاضدت با دول متفق و ایران کوشش کرد، اما حضور ارتش این کشور در ایران آثاری چون هرج و مرج اجتماعی و اعمال غیرقانونی اقتصادی نیز در پی داشت.

### • واژگان کلیدی

ایران، آمریکا، جنگ جهانی دوم، روابط

## مقدمه

در ۱ تیر ۱۳۲۰/۲۲ ژوئن ۱۹۴۱، ارتش نازی با بی‌اعتنائی به پیمان عدم تعرض (۳۱ مرداد ۱۳۱۸/۲۳ اوت ۱۹۳۹)، یورش به شوروی را آغاز کرد و بدین ترتیب بر جهانیان مسلّم شد که دوره احترام به میثاق‌های مودت و بی‌طرفی پایان یافته است. تهاجم آلمان از این جهت نیز اهمیت داشت که با تلافی ارتش‌های آفریقایی دول محور و ارتش روسیه، چاه‌های نفت قفقاز تسخیر می‌شد و سپس با قطع منابع انرژی و به ویژه تصرف هندوستان، قدرت انگلستان در هم می‌شکست. دامنه خطر مشترک چنان وسیع بود که دولت روسیه و انگلیس با وجود اختلافات عظیم عقیدتی و اقتصادی و رقابت‌های دیرینه، بر آن شدند تا در یک جبهه، در مقابل ارتش مهاجم آلمان بایستند. دولت انگلیس مایل بود به هر بهایی، خطوط ارتباطی میان خلیج فارس و مرزهای شوروی را نگاه دارد و مهمات و وسائل جنگی مورد نیاز ارتش شوروی را فراهم کند و بنابراین، راه ایران را پیشنهاد کرد. در سحرگاه ۳ شهریور ۱۳۲۰/۲۵ اگوست ۱۹۴۱ نیروهای اشغالگر شوروی از شمال و انگلیس از جنوب به سوی ایران سرازیر شدند و با غافلگیری ارتش نوپای ایران، سرانجام تهران را اشغال کردند. پس از استقرار ارتش این دو کشور، آمریکا نیز برای حمایت از انگلیس، ارتش خود را به ایران گسیل داشت و تا پایان جنگ در کنار دول متفق در کشور ما باقی ماند. اگر چه در سال‌های اخیر، توجه به تاریخ جنگ جهانی دوم و بررسی نتایج حاصل از آن روند رو به رشد داشته است، اما هنوز اسناد و مدارک بسیاری مربوط به ایران در بایگانی مراکز اسنادی هست که می‌تواند بر اوضاع ایران در دوره جنگ بزرگ و پس از آن روشنی‌هایی بیفکند. در پژوهش حاضر با تکیه بر اسناد، نقش آمریکا طی

جنگ جهانی دوم در ایران و همچنین تحلیل آثار مثبت و منفی حضور این کشور در ایران بررسی خواهد شد. در خصوص موضوع مورد بحث، از اسناد موجود در آرشیوهای دولتی ایران به اندازه کافی استفاده نشده است. متقدم‌ترین منبع در خصوص این موضوع، کتاب "مریکایی‌ها در ایران"، نوشته آرتور میلسپو مستشار مالی آمریکا در ایران است. مؤلف از نزدیک با وقایع این دوره در تماس بوده و ازین رو گزارش دقیقی از روابط ایران و آمریکا در این برهه زمانی به دست داده است. از دیگر پژوهش‌ها می‌توان به اثر ارزشمند آلن نانز "تاریخ مستند روابط دو جانبه ایران و ایالات متحده آمریکا" اشاره کرد. نویسنده این کتاب را با توجه به اسناد موجود در آرشیوهای ایالات متحده آمریکا نگاشته است و از این جهت اهمیت خاصی دارد. بخشی از تاریخ‌نگاری ایران معاصر به سال‌های جنگ جهانی دوم اختصاص داشته است و از آن جمله می‌توان به این آثار اشاره کرد: "تاریخ روابط ایران و ممالک متحده آمریکا" نوشته رحیم رضازاده، "روابط سیاسی ایران و آمریکا ۱۳۴۰-۱۳۰۰" نوشته آبراهام یسلسون و "نفوذ آمریکا در ایران" اثر ابراهیم سنجر.

### پیشینه روابط ایران و آمریکا

سابقه روابط ایران و ایالات متحده آمریکا، به نیمه قرن نوزدهم میلادی و اوایل سلطنت ناصرالدین شاه باز می‌گردد. امیرکبیر در نظر داشت تا با توسعه روابط خارجی ایران با دیگر کشورهای مغرب زمین، کشور را از دایره انحصار مناسبات با روسیه تزاری و انگلستان خارج کند؛ از این رو، به برقراری روابط سیاسی با ایالات متحده آمریکا می‌اندیشید. (رضازاده، ۱۳۵۰: ۸۹-۸۸). در پی همین سیاست بود که

حاجی میرزا احمدخان، نماینده ایران در استانبول با وزیر مختار آمریکا در عثمانی در خصوص برقراری روابط و عقد قرارداد میان دو دولت وارد مذاکره شد. زاکاری تیلور<sup>۱</sup> رئیس جمهور وقت آمریکا از این پیشنهاد استقبال کرد و نتیجه مذاکرات به امضای عهدنامه مؤدت و کشتیرانی در سال ۱۲۶۸ ق. / ۱۸۵۱ م. منجر شد، اما یک ماه پس از انعقاد این عهدنامه، امیرکبیر از مقام صدارت عزل گردید و با کارشکنی‌های انگلستان، مبادله عهدنامه به جایی نرسید و پس از چندی، موضوع به محاق فراموشی فرو رفت (سنجر، ۱۳۶۸: ۱۸). در سال ۱۸۵۶ م. فرخ خان امین الملک سفیر ایران در پاریس، در استانبول با وزیرمختار آمریکا در دربار عثمانی ملاقات کرد. او پس از این جلسه به نمایندگی از سوی دولت ایران، عهدنامه‌هایی همچون معاهدات مؤدت و بازرگانی با وزیرمختار آمریکا منعقد ساخت که قبلاً هم با چنین معاهداتی با کشورهای فرانسه، بلژیک و اسپانیا برقرار شده بود. متن قرارداد به سرعت به تصویب دولت‌های ایران و آمریکا رسید و این، نخستین قرارداد رسمی میان دو کشور محسوب می‌شود (خداوردی، ۱۳۸۸: ۵۴).

پس از استقرار حکومت مشروطه، دولت‌های وقت ایران تصمیم گرفتند برای اصلاح امور اقتصادی از مستشاران خارجی استفاده کنند. در سال ۱۳۲۹ ق. / ۱۹۱۱ م. دولت وقت ایران، از آمریکا خواست تا کارشناسان امور مالی به ایران گسیل دارد. ایالات متحده آمریکا نیز گروهی متخصص امور مالی را به سرپرستی مورگان شوستر به ایران فرستاد و به عنوان مشاور امور مالی حکومت و رئیس خزانه دولتی منصوب شد، اما به سبب کارشکنی‌های انگلیس و روسیه در ایران، ادامه فعالیت برای شوستر

---

1. Zachary Taylor

مقدور نبود و او تهران را ترک کرد (همان: ۲۰). پس از جنگ جهانی اول، نقش ایالات متحده آمریکا در ایران نمایان تر بود (آلن نانز، ۱۳۷۸: ۱۸). در چنین ایامی، کادول<sup>۱</sup> با سمت وزیرمختاری به ایران آمد و دولت ایران را به حضور در جبهه متفقین تشویق کرد (یسلسون، ۱۳۸۳: ۱۸۴). آمریکایی‌ها به سبب مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹م. و حمایت از ایران در کنفرانس صلح ورسای، محبوبیت چشمگیری در ایران به دست آوردند. قوام السلطنه، مذاکرات محرمانه را با نمایندگان شرکت نفت آمریکایی استاندارد اوایل در باره اعطای امتیاز نفت پنج ایالت شمالی ایران آغاز کرد. این مذاکرات در ۲۹ آبان ۱۳۰۰ / ۲۰ نوامبر ۱۹۲۱ به امضاء قراردادی منتهی شد که به موجب آن، امتیاز استخراج و بهره‌برداری از نفت شمال ایران به مدت پنجاه سال به شرکت آمریکایی واگذار می‌شد. مجلس شورای ملی بلافاصله در همان روز این قرارداد را تصویب کرد تا از کارشکنی‌های دولت‌های دیگر جلوگیری کند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۸: ۱۳-۱۲)، با این همه، امضای قرارداد مذکور با اعتراض شوروی و انگلیس رو به رو شد. انگلیسی‌ها که احتمال می‌دادند نتوانند از طریق این اعتراض کاری از پیش ببرند، تصمیم گرفتند در باره نفت شمال به توافقی دست یابند. در بهمن ۱۳۰۰ / فوریه ۱۹۲۲ کاردار آمریکا در تهران، قرارداد میان شرکت نفت استاندارد اوایل و شرکت نفت ایران و انگلیس را که مورگان شوستر تهیه و تنظیم کرده بود، به دولت ایران تسلیم کرد (ملک محمدی، ۱۳۵۸: ۶۲-۶۱). دولت انگلستان با استاندارد اوایل به توافق رسیده بود که رقیب تازه‌ای به نام شرکت نفت سینکلر وارد میدان شد و با ایران به مذاکره پرداخت. در سال ۱۳۰۱ش. / ۱۹۲۲م. نماینده سینکلر

---

1. Caudwell  
2. Sinclair

به تهران آمد و آمادگی خود را برای تأمین خواسته‌های ایران اعلام کرد. در فروردین ۱۳۰۳/ آوریل ۱۹۲۴ قرارداد تهیه و به مجلس برده شد. مسأله نفت روند عادی را طی می‌کرد، اما واقعه قتل مازور ایمبری<sup>۱</sup> سبب شد که شرکت سینکلر، ایران را "نامن" بخواند و بنابراین ایران را ترک کرد (همان: ۶۳). در سال ۱۳۰۱ ش. / ۱۹۲۲ م. دولت ایران دوباره از آمریکا چند مستشار در امور مالی خواست و هیأتی به سرپرستی دکتر میلیسپو<sup>۲</sup> وارد ایران شد. با حسن نظری که ایرانیان نسبت به وی یافتند، ۵ سال در اداره امور مالی ایران مشارکت جدی داشت و پس از پایان خدمتش، چون توافقی میان دو دولت حاصل نشد، ایران را ترک کرد (صداقت کیش، ۱۳۵۷: ۱۲). تا اواسط سلطنت رضاشاه، روابط دو کشور به نحو مسالمت‌آمیز ادامه یافت، اما در آبان ۱۳۱۴/ نوامبر ۱۹۳۵ بر اثر حادثه‌ای، روابط رو به تیرگی نهاد: وزیرمختار ایران، در مریلند به جرم تخلف در قوانین رانندگی بازداشت شد و پلیس این ایالت او را به همراه همسرش با دستبند به اداره پلیس برد. پس از آنکه معلوم شد برخی از قوانین شامل سران سیاسی کشورها نمی‌شود، وزیرمختار رهایی یافت و به نیویورک رفت. به سبب سوء رفتار با سفیر ایران، دولت ایران سفارت خود را در واشنگتن و کنسولگری‌های ایرانی را در نیویورک و شیکاگو بست (اسفند ۱۳۱۴/ مارس ۱۹۳۶). وزیرمختار در ۲۳ دی ۱۳۱۴/ ۴ ژانویه ۱۹۳۶ آمریکا را ترک کرد. هر چند که مأمور مذکور از سوی دولت آمریکا توبیخ شد و به سبب این پیشامد اظهار تأسف کرد، اما سران دولت ایران همچنان آزردده خاطر بودند و پس از ۱۱ فروردین ۱۳۱۵/ ۳۱ مارس ۱۹۳۶ ایران در

---

1. Robert Whitney Imbrie  
2. Arthur Millsbaugh

واشنگتن نماینده‌ای نداشت.<sup>۱</sup> سرانجام در ۲۴ بهمن ۱۳۱۸/۱۴ فوریه ۱۹۴۰ روابط سیاسی دو کشور ایران و آمریکا دوباره برقرار شد و وزیرمختار جدید ایران، محمد شایسته استوارنامه خود را دریافت داشت. بدین ترتیب، وقفه‌ای که در روابط دو کشور ایجاد شده بود، از میان رفت.<sup>۲</sup> پس از تعیین محمد شایسته به سمت وزیرمختار ایران در آمریکا، تمایل برای همکاری بازرگانی میان ایران و آمریکا شدت گرفت. وزارت دارایی ایران علاقه‌مندی خود را مبنی بر توسعه روابط بازرگانی ایران و آمریکا به نماینده خود در این کشور ابراز داشت. آنگاه از وی خواست قبل از عقد قرارداد، فهرستی از محصولات قابل صادرات و واردات با تعیین بهای آنها به ایران بفرستد تا پس از آن که کلیات معامله روشن شد، نقشه قطعی کار تهیه شود.<sup>۳</sup> با ابراز تمایل برای برقراری دوباره روابط، مذاکرات برای عقد قرارداد بازرگانی به جریان افتاد و پس از برگزاری چندین کمیسیون در وزارت امور خارجه و بازرگانی، با حضور نمایندگان وزارت خانه‌های مربوطه و وزارت امور خارجه، طرح قراردادی تهیه شد. این طرح در هیأت وزیران با اصلاحاتی به تصویب رسید (اردیبهشت ۱۳۱۹/ مه ۱۹۴۰)، آنگاه به دولت آمریکا تسلیم شد. سپس دولت ایران یک هیأت بازرگانی و اقتصادی از سوی وزارت دارایی به ریاست اللهیار صالح، معاون وقت وزارت دارایی به آمریکا اعزام کرد تا برای بسط امور بازرگانی میان دو کشور و عقد قرارداد، با مقام‌های آمریکا مذاکره کند؛ با این همه، تا پیش از اشغال ایران، انعقاد قراردادها عملی نشد. دولت آمریکا در ۱۷

۱. آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ترجمه روزنامه سول ملتری گیزت چاپ لاهور، ۷-۱۶-۱۳۱۸ش.

۲. همان، ترجمه از روزنامه تایمز عراق، ۹-۱۷-۱۶-۱۳۱۸ش.

۳. همان، مکاتبه وزارت دارایی با آقای شایسته وزیر مختار دولت شاهنشاهی در واشنگتن، ۹-۳۶-۵۲-۱۳۱۹ش.

بهمن ۱۳۲۰/۶ فوریه ۱۹۴۲ طرحی تنظیم کرد و از طریق سفارت خود در تهران به وزارت دارایی فرستاد.<sup>۱</sup> پس از بررسی و حصول توافق میان نمایندگان دو طرف، در ۱۸ فرورین ۱۳۲۲/۸ آوریل ۱۹۴۳ قرارداد بازرگانی میان ایران و آمریکا در پانزده ماده با اعتبار سه ساله منعقد<sup>۲</sup> و تجارت آمریکا با ایران از سرگرفته شد. گر چه مقدار آن نسبت به مجموع حجم تجارت آمریکا ناچیز بود، اما به نظر مقام‌های ایرانی، «همین حجم ضعیف از معامله بین دو کشور از لحاظ دوام و توسعه آینده» قابل ملاحظه بود.<sup>۳</sup> نویسنده مقاله‌ای در روزنامه واشنگتن استار<sup>۴</sup> در شماره ۱۱ مرداد ۱۳۲۱/۲ اوت ۱۹۴۲ اهمیت این قرارداد را بیشتر از این جهت دانسته است که دولت آمریکا بدین ترتیب، به طور غیرمستقیم به ایرانیان در خصوص حفظ استقلال کامل ایران اطمینان می‌دهد و بر این نکته تأکید می‌کند که مداخله فعلی دو دولت روس و انگلیس، تأثیری بر اصل حاکمیت و تمامیت ایران نخواهد داشت.<sup>۵</sup> همچنین، به موجب پیمان ایران و آمریکا، حقوق گمرکی واردات فرش ایران به آمریکا کاهش یافت. از آنجا که آمریکا یکی از بزرگترین خریداران فرش ایران بود، کاهش عوارض گمرکی تأثیر بسزایی در بهبود و رونق صنعت فرش در ایران داشت.<sup>۶</sup>

## ورود آمریکا به جنگ و اقدامات این کشور در ایران

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره مدرک ۲۲۴۵۹-۲۴۰، شماره سند ۶۱.

۲. آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، متن قرارداد بازرگانی ایران و آمریکا، ۵۲-۱۱-۱-۱۳۲۲ ش.

۳. همان، ترجمه روزنامه فاینشال نیوز، ۲۰-۱۱-۱-۱۳۲۲ ش.

4. Washington Star

۵. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره مدرک ۲۴۴۵۹-۲۴۰، شماره سند ۱۴۷.

۶. آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، مکاتبه وزارت امور خارجه با وزارت بازرگانی، پیشه و هنر، ۳۲-۱۱-۱-۱۳۲۲ ش.



مدتی پس از استقرار ارتش شوروی و انگلیس در ایران، ارتش آمریکا به آنها ملحق شد و این ارتش به مثابه قسمتی از نیروی نظامی انگلیس در ایران بود. حضور آمریکایی‌ها، صرفاً برای اجرای خدمات فنی در ایران بود، اما چنین به نظر می‌رسد که آمریکا قصد داشت از سیاست انزوای خود خارج شود و به خصوص در منطقه خاورمیانه حضور فعال داشته باشد. سبب تصمیم آمریکا برای خروج از انزوای سیاسی، که نخستین آثار آن در ۱۹۴۱م. در ایران پدیدار شد، به اوائل جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد: سیاست این کشور، بر مبنای تقویت قدرت آمریکا در مقابله با پیشامدها و حمایت از انگلیس در مواقع بحرانی قرار گرفت و اتخاذ این سیاست نیز مرهون قانون وام و اجاره بود. این قانون، که به تقاضای روزولت در ۱۱ مارس ۱۹۴۱م. از تصویب کنگره آمریکا گذشت، به رئیس جمهور آمریکا اختیار می‌داد بدون توجه به قانون فروش اسلحه، برای کمک دفاعی به هر کشوری که صلاح می‌داند، در مقابل دریافت پول نقد به صورت معاوضه، انتقال یا اجاره جنگ‌افزار واگذار کند (Bullard, 1961: 236). قانون وام و اجاره فقط به این سبب وضع شد که به نظر دولتمردان آمریکا، کمک به دشمنان و دولت‌های محور برای دفاع از خود، نوعی دفاع از ایالات متحده است. باید در نظر داشت که آمریکا تا پیش از حمله ژاپن به پرل هاربر<sup>۱</sup> در آذر ۱۳۲۰/ دسامبر ۱۹۴۱ هنوز وارد جرگه کشورهای متخاصم نشده بود، اما از مدتی قبل از این حادثه، خود را برای حضور در منطقه خاورمیانه آماده می‌کرد. این موضوع، در خلال نامه‌ای که چرچیل در فروردین ۱۳۲۰/ آوریل ۱۹۴۱ به رئیس روابط خارجی حکومت هند نوشت، نیز

---

1. pearl Harbor

معلوم است (Bullard, 1961: 235-236). بنا بر مقاله‌ای در روزنامه DagensNyheter (استکهلم، شماره ۱ بهمن ۱۳۲۱ / ۲۱ ژانویه ۱۹۴۳)، پس از آنکه نیروهای آمریکایی در جزیره قبرس پیاده شدند، شماری از سپاهیان قشون این کشور، به کمک نیروهای انگلیس در بنادر جنوبی ایران در خلیج فارس آمدند؛ چندی پیش از آن، قسمتی از اراضی نفت خیز ایران، نزدیک خلیج فارس را نیروهای آمریکایی اشغال کرده بودند. قشون آمریکایی راه آهن سراسری ایران را نیز زیر نظر گرفتند. شماری از نیروهای آمریکایی به بصره و از آنجا به بغداد فرستاده شدند تا معادن نفت موصل را نگاه دارند.<sup>۱</sup> هنوز چند روز از ورود قوای متفقین به ایران نگذشته بود که روزولت موافقت خود را با پیشنهاد چرچیل در باب کمک آمریکا برای ارسال تجهیزات متفقین از طریق راه آهن سراسری ایران به جبهه اعلام داشت. به همین سبب، در ۲۲ شهریور ۱۳۲۰ / ۱۳ سپتامبر ۱۹۴۱ از جانب روزولت به وزیر جنگ آمریکا ابلاغ شد که او می‌تواند طبق قانون وام و اجاره، برای نیروهای انگلیسی منطقه خاورمیانه کمک ارسال کند. تا این موقع، هنوز آمریکا حالت بی‌طرفی خود را حفظ کرده بود و کمک‌های آمریکا نیز که به عنوان کالاهای اقتصادی ارسال می‌شد، گرچه با نظارت ارتش بود، اما به دست مؤسسه‌ها و پرسنل غیرنظامی به صورت قراردادی انجام می‌شد. در ماه نوامبر، اولین گروه از افسران آمریکایی برای تنظیم امور مربوط به قانون وام و اجاره وارد ایران شدند. در این زمان هنوز حمله ژاپن به پرل هاربر صورت نگرفته بود. تا پیش از این حمله، آمریکا

۱. آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، مکاتبه وزیر مختار ایران در آمریکا با وزارت امور خارجه، ۴-۷-۱۲-۱۳۲۲ ش.

با دولت‌های محور در حالت جنگ اقتصادی به سر می‌برد، اما پس از آن، چون آمریکا به طور رسمی جزو دولت‌های متخاصم در آمد، توانست با آسودگی خاطر، حدود سی هزار سرباز به ایران گسیل دارد، تا علاوه بر محمولات اقتصادی، کار ارسال تجهیزات نظامی به جبهه شوروی را نیز انجام دهند. (Bullard, 1961: 237). به همین سبب، زمزمه‌هایی مبنی بر الحاق آمریکا به پیمان سه گانه آغاز شد، زیرا به نظر دولت ایران، حضور نیروهای آمریکایی در ایران ادامه یافته و هیچ قراردادی در این باب با آنها بسته نشده است و در نتیجه، برای تخلیه ارتش خود ظرف شش ماه پس از جنگ- مانند الزام متفقین در پیمان سه گانه- تعهدی نسپرده‌اند. بنابراین، لازم است که آمریکا به پیمان سه گانه ملحق شود (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: سند شماره ۸۳). در پی درخواست ایران، قراردادی در ۹ ماده بین آمریکا و ایران بسته شد که طی آن، آمریکا مانند دو دولت در پیمان سه گانه، برای ضمانت استقلال سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران تعهد سپرد. این قرارداد را لویی جی. دریفوس وزیرمختار آمریکا و محمد ساعد وزیر امور خارجه ایران امضاء کردند (همان: سند شماره ۸۳/۳) مذاکرات با آمریکا بسیار سریع صورت گرفت و حضور نیروهای نظامی این کشور در ایران با مخالفت چندانی مواجه نشد، شاید بدین سبب که نگاه سران دولت ایران به آمریکا، مانند دو کشور دیگر نبود. اسناد از تمایل وافر محمدرضا شاه پهلوی به فعالیت بنگاه‌های آمریکایی در ایران حکایت می‌کنند. وی امید داشت که پس از جنگ، کمک‌های مادی و معنوی آمریکا شامل ایران نیز باشد.<sup>۱</sup> محمد علی فروغی نیز که پس از کناره‌گیری از

۱. آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، مکاتبه وزیر مختار ایران در آمریکا با وزارت امور

نخست‌وزیری، به عنوان وزیر دربار محمدرضا شاه برگزیده شد، راهبرد استفاده از "قدرت سوم" را می‌پسندید. او پیش‌تر و پس از انتصاب به نخست‌وزیری، با فرستادن تلگرامی با امضای شاه برای روزولت، این سیاست را از شهریور ۱۳۲۰ ش. بی‌درنگ آغاز کرده بود (kozubavno, 2012: P489). متن تلگرام که به قلم خود فروغی است، حاکی از جلب نظر روزولت در موضوع حمله انگلیس و شوروی به ایران و درخواست برای اقدامات فوری مؤثر و انسانی برای خاتمه دادن به تجاوز بود. وی از طریق وزیرمختار آمریکا، از رئیس‌جمهور این کشور خواست همه‌مساعدی خود را به کار بندد، تا دولت‌های انگلیس و روسیه بی‌درنگ به مخاصمات پایان دهند (واردی، ۱۳۹۱: ۱۱۲). روز بعد، وزیرمختار ایران در آمریکا در ملاقات با کردل هال<sup>۱</sup> وزیر امور خارجه این کشور، خواستار عمل به اصول هشتمانه منشور آتلانتیک شد. پاسخ خواسته‌های فروغی و ایران در نامه‌ای از روزولت به رضاشاه رسید، اما این پاسخ چیزی نبود که ایران انتظار داشت. روزولت نوشته بود که ما باید به این وضعیت از همه جنبه‌های رویدادها و تحولات جهان بنگریم.

شاه جدید ایران در ۱۷ مهر ۱۳۲۰ / ۹ اکتبر ۱۹۴۱ به وزیر مختار آمریکا گفت: بسیار خوشوقت خواهد بود، اگر از متحدان آمریکا باشد. فروغی در ۲۹ آذر ۱۳۲۰ تمایل دولت ایران را برای حمایت آمریکا از پیمان سه جانبه که در دست مذاکره بود، ابراز داشت. به نظر فروغی، موقعیت ایران می‌توانست از نظر متفقین ارتقاء یابد، مشروط بر آنکه آمریکا از آن طرفداری کند. از سوی دیگر، پاسخ آمریکا تأییدآمیز، اما بدون التزام بود (همان: ۱۱۳).

خارجه، ۶۷-۷-۱۲-۱۳۲۲ ش.

1. Cordell Hull

باری، آمریکا با ورود به ایران، اقدام در جهت کمک به متفقین را آغاز کرد. از جمله اقدامات چشمگیر آنها، برپایی تعمیرگاهی بسیار بزرگ برای تعمیر و سوار کردن وسائل جنگی متفقین در تبریز بود. این تعمیرگاه را چهار مهندس آمریکایی با چندین نفر سرعمله روسی و ایرانی اداره می‌کردن.<sup>۱</sup> و آمریکایی‌ها در ساخت واگن و آوردن آن بر ریل ایران نیز اقداماتی انجام دادند.<sup>۲</sup> بولارد وزیرمختار بریتانیا در ایران با اشاره به نقش پررنگ آمریکا در این سال‌ها نوشته است: «...ارتش آمریکا که بعد از انگلیس و شوروی وارد ایران شد به مثابه قسمتی از ارتش انگلیس در ایران عمل می‌کرد، با اینکه پرسنل جنگی و عملیاتی نداشت و صرفاً برای خدمات فنی در ایران حضور پیدا می‌کرد. مع هذا کاملاً نشان می‌داد که آمریکا قصد کرده است از سیاست انزواطلبی خود بیرون بیاید و بخصوص در منطقه خاورمیانه حضور فعالی داشته باشد. اولین آثار خروج آمریکا از انزوای سیاسی در سال ۱۹۴۱م. در ایران پدیدار شد. علت این بود که در اوائل جنگ دوم سیاست آن کشور بر مبنای تقویت آمریکا در مقابله با پیشامدها و حمایت از انگلیس در مواقع بحرانی قرار گرفت و اتخاذ این سیاست نیز مرهون قانون "وام و اجاره" بود. آمریکا این قانون را فقط به این جهت وضع کرد که اعتقاد داشت کمک به دشمنان دول محور برای دفاع از خودشان، نوعی دفاع از ایالت متحده محسوب می‌شود...» (Bullard, 1961:235). در ۱۹۴۲م. سرانجام ایران و آمریکا به توافق دست یافتند که در بیان و در چارچوب قانون وام و اجاره، آمریکا تا پایان جنگ مبلغی به ارزش

۱. آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، مکاتبه وزیر مختار ایران در آمریکا با وزارت امور خارجه، ۶۶-۷-۱۲-۱۳۲۲ش.

۲. همان، ۱-۵۲-۱۲-۱۳۲۲ش.

۴۱/۵ میلیون دلار گندم، اسلحه و مهمات در اختیار دولت ایران قرار می‌داد (سنجر، ۱۳۶۸: ۵۴). پس از انتشار اعلامیه رسمی دولت آمریکا، دولت ایران نیز از ایالات متحده خواستار اعزام مستشاران نظامی برای تشکیلات ژاندارمری و ارتش شد: وزیرمختار ایران در واشنگتن، در یادداشت ۲۹ اسفند ۲۰/۱۳۲۰ مارس ۱۹۴۲ به وزارت امور خارجه آمریکا اطلاع داد که دولت ایران مایل است مستشاران نظامی آمریکایی را برای وزارت جنگ استخدام کند. وزارت امور خارجه آمریکا، خواسته دولت ایران را صمیمانه بررسی کرد و آن را فرصتی برای برقراری روابط نزدیک با ایران تشخیص داد (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۶۷). وضع نابسامان اقتصادی ایران همراه عدم آمادگی کشورهای اشغالگر شوروی و انگلستان برای پرداخت هزینه‌های حمل و نقل سربازان خود و خساراتی که در نتیجه جنگ و اشغال ایران وارد کرده بودند و نیز قحطی و بحران غذایی در ایران، موجب شد تا دولت نیز از ایالات متحده آمریکا برای ایجاد نظم در اوضاع نابسامان اقتصادی و مالی خویش درخواست کمک کند. از اینرو از دکتر میلسپو خواسته شد تا بار دیگر سرپرستی امور اداری و اقتصادی را برعهده گیرد (خداوردی، ۱۳۸۸: ۶۰). بولارد وزیرمختار انگلیس در نامه‌هایش تصمیم مربوط به استخدام مستشار آمریکایی را به خود نسبت داده است: «برنامه‌ای را که من در حدود اواخر دسامبر آغاز کردم در حال عملی شدن است: یعنی استخدام مستشار آمریکایی توسط دولت ایران...». به نظر وی، حل مشکلات اقتصادی و اداری ایران بدون کمک خارجی ممکن نبود و از آنجا که ایرانیان علاقه وافری به سهیم کردن آمریکا در سرنوشت خویش داشتند، حضور نیروی آمریکایی می‌توانست مفید باشد (Bullard, 1991: 145). همزمان با ورود میلسپو و اعضای

هیأت او، دو هیأت دیگر از مستشاران امریکایی برای اصلاح ارتش و ژاندارمری استخدام شدند: هیأت مستشاران نظامی به ریاست ژنرال والتر ریدلی<sup>۱</sup> و مستشاران ژاندارمری به ریاست سرهنگ نورمن شوارتسکف<sup>۲</sup> در شهریور ۱۳۲۱/ سپتامبر ۱۹۴۲ به تهران آمدند و به تجدید سازمان ارتش و ژاندارمری پرداختند که پس از وقایع شهریور ۲۰ شیراز آن از هم گسیخته شده بود (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۰: ۸۹-۸۸). شریدان<sup>۳</sup> نیز همراه هیأت‌های اعزامی به عنوان مستشار خوار و بار وارد ایران شد؛ هر چند که به نوشته بولارد «وقتی که او آمد بجز اقدامات عاجل برای انجام هرکاری دیر شده بود» (Bullard, 1991: 146). در ۵ آذر ۱۳۲۲/ ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ قراردادی نظامی میان ایران و آمریکا به امضاء رسید که بر اساس آن، اعضای هیأت نظامی آمریکا در استخدام دولت ایران شناخته می‌شدند و هدف و وظیفه آنان، کمک و مشاورت به دولت ایران برای بازسازی ژاندارمری ایران بود. قرارداد مشابهی هم برای هیأت نظامی آمریکا، به منظور بازسازی ارتش ایران در ۱۱ آبان ۱۳۲۲/ ۳ نوامبر ۱۹۴۳ به امضاء دو دولت رسید (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۶۸). در هشتم آوریل همین سال (۱۸ فروردین ۱۳۲۲) قرارداد بازرگانی میان آمریکا و ایران، با مدت سه سال اعتبار منعقد شد. هر چند که مبلغ این قرارداد در مجموع حجم تجارت آمریکا ناچیز بود، اما می‌توانست عامل مهمی برای دوام و توسعه روابط دو کشور در آینده باشد.<sup>۴</sup> این پیمان را در ۱۵ ماده، محمد شایسته وزیرمختار دولت ایران در واشنگتن

---

1. Walter Ridley

2. Norman Schwarzkopf

3. J.K. Sheridan

۴. آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ترجمه از روزنامه فاینشال نیوز چاپ آمریکا، ۲۰-۱-۱۳۲۲-۱۱ ش.

و کردل هال وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا امضاء کردند و<sup>۱</sup> نخستین تأثیر مفید آن در بازار فرش ایران دیده شد. به موجب این پیمان، میزان حقوق گمرکی واردات فرش ایران به آمریکا کاهش یافت و آمریکا یگانه بازار مهم خریدار فرش ایران گردید.<sup>۲</sup> قرارداد همچنین، تسهیلاتی در صادرات و واردات کالاهای کشاورزی و صنعتی دو کشور ایجاد کرد.<sup>۳</sup> دولت آمریکا به واسطه این قراردادها با ایران، موفق شد جای پای خود را در ایران محکم کند، چندان که در برخی موارد واکنش انگلستان را برانگیخت؛ هر چند که متفق آمریکا بود. بنا بر اسناد، رقابت‌های انگلیس و آمریکا برای دستیابی به امتیازات اقتصادی در ایران، بدگمانی‌های گسترده‌ای میان آنها به ویژه هنگام انعقاد قرارداد تجاری فوق پدید آورد. سهیلی نخست‌وزیر برای جلب اطمینان بولارد در این موضوع که سیاست دوستی با آمریکا آسیبی به منافع انگلستان وارد نخواهد آورد، مذاکره در باره امتیازی نفتی با یکی از شرکت‌های انگلیسی را مطرح کرد (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۲۲۶). به طور کلی، توجه به امور و منافع آمریکا از مهم‌ترین وظایف کارگزاران انگلیس در ایران و شخص بولارد بود. دو گزارش بولارد به دولت متبوعش، حاکی از بیمناکی او از نفوذ بیش از پیش آمریکایی‌ها در ایران است: «مطبوعات در حال اجرای یک کمپین قوی در حمایت از تعامل مستشاران آمریکایی به ویژه برای امور مالی و آموزش و پرورش هستند. آمریکا اخیراً موضوع بسیاری از مقاله‌های چاپلوسانه شده است» (Iran political diaries, 25 June 1942: p528)؛ «با توجه به گزارش مطبوعاتی فارس، از جانب شاه

۱. همان، متن پیمان بازرگانی ایران و آمریکا، ۵۶-۱-۱۱-۱۳۲۲ ش.

۲. همان، مکاتبه وزارت امور خارجه با وزارت بازرگانی، پیشه و هنر، ۳۲-۱-۱۱-۱۳۲۲ ش.

۳. همان، متن پیمان بازرگانی ایران و آمریکا، ۵۶ تا ۵۱-۱-۱۱-۱۳۲۲ ش.



ایران به سرتیپ بسون از فرماندهان آمریکایی خلیج فارس در جهت قدردانی بابت همکاری با مقامات ایرانی در بهره‌برداری از راه آهن ایران، پیشکشی به همراه نشان اعطا گردید» (Iran political diaries, 5 June 1945: p578).

یکی از مظاهر حضور آمریکایی‌ها در ایران، طی دوران جنگ دوم و پیش از آن، مستشاران مالی و در رأس آنها دکتر آرتور میلسپو بود. دولت ایران در سال‌های نخست دهه ۱۹۲۰م. گروهی از مستشاران مالی آمریکایی را با سرپرستی آرتور میلسپو، برای اصلاح و تجدید سازمان تشکیلات مالی ایران که به ناکارایی و فساد شهرت داشت، به ایران دعوت کرد. هدف دولت ایران، اصلاح وضعیت مالی ایران و نیز جلب سرمایه‌گذاری و علائق صنعتی آمریکا در کشور بود، تا بدین‌وسیله وابستگی اقتصادی ایران به اتحاد شوروی و انگلستان کاهش یابد. میلسپو و هیأت تحت سرپرستی او، در مراحل نخست مأموریت خویش در زمینه گردآوری مالیات‌ها و افزایش عواید دولت موفقیت‌هایی به دست آوردند. آنها زمینه را برای تأسیس بانک ملی و همچنین جلب علایق آمریکا در بهره‌برداری از ذخایر نفتی ایران فراهم کردند. بر اساس توصیه میلسپو، شماری از مهندسان آمریکایی برای بررسی طرح احداث راه آهن سراسری کشور استخدام شدند. همچنین گروهی از آمریکایی‌ها نیز برای نظارت بر احداث و مرمت راه‌های کشور، راهنمایی در زمینه فعالیت‌های کشاورزی و مشاوره در صنایع فرشبافی و جهانگردی به ایران آمدند، اما اندکی بعد، نظر رضاشاه از آمریکایی‌ها بر گشت و کوشش‌های اصلاح‌گرایانه میلسپو با مقاومت جدی محافل صاحب قدرت ایران رو به رو شد؛ زیرا شاه به ویژه به سبب کوشش‌های او برای پایان دادن به فساد مالی حاکم بر ارتش ایران، شخصاً بر

مداخل امرای لشکر نظارت داشت. خواسته‌های مستمر و مکرر میلسیو در برخورداری از اختیارات بیشتر نیز در نارضایتی روزافزون شاه مؤثر بود، تا آنجا که رضاشاه اعلام کرد: «این کشور نمی‌تواند دو شاه داشته باشد و شاه نیز من خواهم بود». از آنجا که گروه میلسیو در جلب سرمایه‌گذاری آمریکایی‌ها، یعنی یکی از خواسته‌های شاه توفیقی به دست نیاورد، مأموریت خود را ناتمام رها کرد و از ایران خارج شد (میلسیو، ۱۳۷۰: ۵۹). در جنگ جهانی دوم، قانون ۱۱ آبان ۱۳۲۱/۱۲ نوامبر ۱۹۴۲ یکبار دیگر میلسیو را برای حل بحران اقتصادی ناشی از جنگ به ایران کشاند. بنا بر این قانون، استخدام میلسیو با عنوان "مدیر کل امور مالی" تصویب شد و بدین ترتیب، کار طرح بودجه و تأمین سازمان اداری مالی کشور به او تفویض گردید؛ بدین شرط که وزیر دارایی تصمیم‌های او را تصویب کند. علاوه بر این، میلسیو موظف بود در اقدامات انضباطی با وزیر دارایی مشورت کند. وقتی میلسیو در دی ۱۳۲۱/ژانویه ۱۹۴۳ به ایران آمد، بحران اقتصادی در اوج بود و تهیه و توزیع مواد غذایی که در شرایط بسیار بحرانی قرار داشت، مشکل‌ترین بخش از وظایف او به نظر می‌رسید. اما از آنجا که وی مبارز و خوش‌بین بود، با پشتیبانی نخست‌وزیر سهیلی کار خود را آغاز کرد (اسکرین، ۱۳۶۳: ۲۹۴)، اما این مأموریت نیز که کمتر از دو سال طول کشید، با شکست مواجه شد. میلسیو در کتاب خود (چاپ ۱۹۴۶ م.) دلایل گوناگون شکست دومین مأموریت خود را شرح داده است: «مشکل انتخاب همکاران کارآمد، فقدان پشتیبانی وزارت امور خارجه آمریکا و نمایندگانش در تهران، فقدان روح همکاری دسته‌جمعی در سازمان‌های مختلف آمریکایی در ایران، دشمنی آشتی‌ناپذیر روس‌ها و مطبوعات حزب توده و از همه

بالا تر، نزول سطح اخلاقی در طبقات جامعه ایرانی» (همان: ۳۰۱). اختلاف میان میلسپو و ابتهاج مدیر کل وقت بانک ملی ایران، نقطه پایان مأموریت او بود: میلسپو در نامه‌ای به دولت، در ۱۵ مهر ۱۳۲۳ / ۷ اکتبر ۱۹۴۴ ابتهاج را از سمت خود برکنار کرد که با مخالفت ابتهاج مواجه شد (ابتهاج، ۱۳۷۱: ۱۲۶). ایستادگی ابتهاج از آنجا سرچشمه می‌گرفت که در ماده ۱۶ قانون اساسنامه بانک ملی ایران مقرر شده بود که مدیر کل بانک بنا بر پیشنهاد وزیر مالیه و تصویب هیأت وزرا انتخاب شود و در عزل او نیز باید به همین ترتیب عمل می‌شد. در واقع، قانونگذار، بانک ملی را از نفوذ وزارت دارایی برکنار داشته بود «آقای دکتر میلسپو حق عزل و نصب مدیر کل بانک ملی را ندارد» (۱۳۶۵: ۸-۹). میلسپو در گزارش ماهیانه خود (اردیبهشت ۱۳۲۲ / می ۱۹۴۳)، چنین نگاشته است: «...البته در عین اینکه بانک ملی ایران به مفهوم سایر اداراتی که نامبرده شد شعبه‌ای از وزارت دارایی نیست، ولی مناسبات نزدیکی با این وزارت داشته و مدیر کل آن آقای ابتهاج اصلاً در اجرای برنامه‌های مالی و یافتن طرقی برای حل مسائل و معضلات مالی دولت تشریک مساعی نموده و مساعدت کامل مبذول داشته است.» (همان: ۹). با توجه به این قانون، میلسپو برای عزل مدیر بانک ملی به طور قانونی اجازه نداشت و بنابراین، دولت اقدام وی را غیرقانونی دانست و با برکناری ابتهاج مخالفت کرد. کشمکش بر سر این مسأله و پافشاری میلسپو، به کناره‌گیری او و سرانجام ترک ایران منجر شد (مدنی، ۱۳۸۰: ۱۴۰).

رفتار و اعمال نیروهای نظامی آمریکایی نیز همچون دیگر سربازان بیگانه در ایران، گاه چنان بود که موجب شکایت دولت ایران می‌شد. بنا بر اسناد، رفتار برخی

از نظامیان آمریکایی در شهرها به ویژه تهران، زنده بود. مأموران انگلیسی هم، در مقابل شکایت‌ها پاسخ می‌دادند: «کار آمریکایی‌ها به ما مربوط نیست»؛<sup>۱</sup> حال آنکه نظامیان آمریکایی برای کمک به انگلیسی‌ها وارد ایران شده بودند. قتل دو راننده ایرانی در اراک به دست سربازان آمریکایی (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: سند شماره ۲۲) و مزاحمت این نیروها برای اهالی خرم آباد (همان: سند شماره ۳۲)، نمونه‌هایی اندک از رفتار ناشایست آنهاست. نظامی‌های آمریکایی علاوه بر ایجاد هرج و مرج، وارد فعالیت‌های غیرقانونی اقتصادی نیز می‌شدند: افسران آمریکایی کالاهایی را که نظیر آن در ایران وجود نداشت، به بازرگانان یهودی می‌فروختند و آنها هم این اجناس را به نرخ‌های گران به مردم عرضه می‌کردند، در حالی که حقوق گمرکی این کالاها را هم نمی‌پرداختند؛ بنا بر این، سود سرشاری نصیب سربازان آمریکایی و تاجران می‌شد. دوائر گمرکی ایران از این اوضاع نزد فرماندهان لشکری انگلیس شکایت بردند و خواستار جلوگیری از این قبیل اعمال شدند، اما انگلیسی‌ها در مقابل اظهار داشتند: آنچه سربازان و افسران متفقین از خارجه وارد می‌کنند، باید بدون مالیات از گمرک بگذرد و وارد ایران شود و بدین ترتیب، بر کار ایشان صحه گذاشتند.<sup>۲</sup>

وقتی جهان روزهای پایانی جنگ را سپری می‌کرد و بنا بر پیمان میان ایران و دولت‌های اشغالگر، کشور می‌باید به زودی از نیروهای نظامی تخلیه می‌شد. دولت ایران برای تهیه گزارش از خسارات وارده و منافع عاید شده به ایران و در جهت اجرای

۱. آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، مکاتبه وزارت کشور با وزارت امور خارجه، ۲۴-۴۴-

۱۲-۱۳۲۲ش.

۲. همان، مکاتبه اداره کل انتشارات و تبلیغات با وزارت امور خارجه، ۱-۴۴-۵۲-۱۳۲۲ش.

کامل مفاد پیمان سه گانه و اعلامیه تهران، دکتر لوییس را مأمور کرد تا موافقتنامه‌های اداری دو دولت ایران و آمریکا را بررسی کند. او می‌بایست علاوه بر تنظیم سندی شامل فهرست خسارات و منافع وارده به ایران به دست آمریکایی‌ها، در خصوص نحوه استفاده از تأسیسات آمریکایی در ایران نیز برای این کشور طرح جامعی ارائه می‌داد.<sup>۱</sup> بر اساس گزارش دکتر لوییس، (۱۳۲۴ش.)، دولت ایران از بابت قیمت اجناسی که در زمان جنگ به حساب وام و اجاره از دولت آمریکا تحویل گرفت، در جمع مبلغ ۸۵۴۱۰۴۰۷۵ دلار بدهکار شد: ۳۹۲۳۸۲۸۳۱ دلار آن بابت اجناس تحویلی به اداره باربری، ۲۲۴۲۷۱۲۷۸ دلار بابت اجناس تحویلی به وزارت جنگ، ۷۲۴۶ دلار دریافتی شرکتی در خوزستان، ۶۵۴۰۴۶۱ دلار دریافتی بنگاه دارویی کل کشور، ۲۱۳۹۶۲۴۲ دلار دریافتی اداره ژاندارمری کل کشور و مبلغ ۲۰۸۷۸۷۶۶۳ دلار مربوط به وزارتخانه‌های جنگ، تجارت، ژاندارمری و اداره بازرسی. پس از مذاکرات دولت‌های ایران و آمریکا بعد از جنگ برای تسویه این حساب، سفارت آمریکا پذیرفت که این مبلغ را در ظرف سه سال به اقساط ۷۱۱۷۵۳۴۰ دلار هر سه ماه یکبار دریافت کند؛ قسط اول: ۱۱ فروردین ۱۳۲۵ / ۳۱ مارس ۱۹۴۶ و قسط آخر در ۱۱ دی ۱۳۲۷ / ۱ ژانویه ۱۹۴۸ پرداخت می‌شد.<sup>۲</sup> مأموران آمریکایی هنگام ترک ایران، مقداری کالا نیز باقی گذاشته بودند: معادل ۱۷۰۵۲۲۷۹۵ دلار لاستیک، ۱۳۴۸۶۵۰ دلار پارچه و قماش نخی، ۱۱۱۸۵۱۰ دلار دارو و نیازهای پزشکی دیگر، ۱۵۹۰۷۴۶۶ دلار لاستیک ماشین آلات نظامی،

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره مدرک ۱۴۳۲۰-۲۴۰، شماره سند ۶.

۲. همان: شماره مدرک ۴۳۱۰-۲۴۰، سند شماره ۴.

۱۹۵۷۵۲۹۰ دلار مواد مختلف برای رفع نیازهای ارتش. ارزش کل این کالاها در جمع، ۲۱۹۲۰۹۸۷۰ دلار می‌شد. از مبلغ فوق، حدود ۱۸۳۱۵۹۸۱۵ دلار به وزارت جنگ، ادارهٔ باربری راه و هیأت امور اقتصادی رسیده بود.<sup>۱</sup> دولت ایران، اموال غیرمنقول آمریکایی‌ها را نیز بر حسب قرارداد تنظیمی معادل ۷/۵ درصد ارزش واقعی آنها، به اقساط ۳، ۵ و ۷ ساله به مبلغ ۲۸۱۹۹۸۲۴۷ دلار خرید: مبلغ ۲۲۱۹۹۵۹۷۶ دلار بهای اردوگاه‌های تحویلی، ۶۰۰۰۲۳۷۱ دلار بهای ۱۸۴ دستگاه نفت‌کش و ۲۵ دستگاه واگن خراب.<sup>۲</sup> از سوی دیگر، خزانه‌داری کل می‌بایست مبلغ ۱۳۶۶۸۲ دلار بابت بهای فرودگاه آبادان در سه قسط در سال‌های ۲۸، ۳۰ و ۳۲ هر قسط به مبلغ ۴۵۵۶۰۶۶ دلار به آمریکا می‌پرداخت.<sup>۳</sup> به موجب تصویبنامهٔ هیأت وزیران در خصوص تسویه حساب آمریکا، قرار شد بانک ملی ایران برای پرداخت دلار به آمریکا- در صورت نداشتن موجودی کافی- طلای پشتوانه را بفروشد. به ادارهٔ کل بودجه نیز دستور داده شد که سهم بدهی هر یک از ادارات و وزارتخانه‌ها را در بودجهٔ همان سال آن اداره یا وزارتخانه در نظر گیرد تا خزانه‌دار بتواند در زمان لازم، اقساط را از محل‌های تعیین شده برداشت و در وجه بانک ملی ایران کارسازی کند.<sup>۴</sup> بنابراین، همهٔ حساب‌های دولت ایران و آمریکا مشخص و تصمیم‌های روشنی برای بازپرداخت آن گرفته شد.

---

۱. همان: سند شماره ۱۲.

۲. همان سند.

۳. همان: سند شماره ۹.

۴. همان: سند شماره ۱۰.

وقتی دولت ایران از شوروی به این سبب که کشور را تخلیه نمی‌کرد، نزد سازمان ملل شکایت برد، دولت آمریکا از اقدام ایران سخت پشتیبانی کرد (گازیوروسکی، ۱۳۷۱: ۹۵). پشتیبانی از ایران، از اندیشه ترومن سرچشمه می‌گرفت: دولت ایران نمی‌تواند در برابر شوروی بایستد و حتی نمی‌تواند شکایت خود را در سازمان ملل مطرح کند؛ بنابراین، ترومن به وزیر امور خارجه خود، بیرنس<sup>۱</sup> دستور داد به نمایندگی از دولت ایران در این زمینه اقدام کند (ذوقی، ۱۳۶۸: ۲۶-۲۵). البته دولت آمریکا چون با شوروی پیمانی در این باره نبسته بود تا آن کشور را ناقض آن بداند، نمی‌توانست در این خصوص اقدام کند، اما بنا بر اصول منشور آتلانتیک، دولت آمریکا از این حق قانونی برخوردار بود که در صورت تهدید صلح و امنیت جهانی، توجه شورای امنیت را به موضوع جلب کند. اما اثبات این مسأله که اقدامات شوروی در شمال ایران و عدم خروج نیروهای آن کشور، صلح جهانی را به خطر می‌اندازد، کار ساده‌ای به نظر نمی‌رسید. بنابراین، پس از اینکه ترومن درخواست نماینده شوروی را مبنی بر تعویق مسأله اختلافات ایران و شوروی از دستور کار سازمان ملل رد کرد، به استالین اولتیماتوم داد و خواهان خروج نیروهای شوروی از ایران شد (تفق‌دی جامی، ۱۳۷۷: ۳۵۵). در این اولتیماتوم (۱ فروردین ۱۳۲۵ / ۲۱ مارس ۱۹۴۶) آمده بود: سبب اصلی اعزام ارتش متفقین به ایران، ارسال لوازم و مهمات جنگی به روسیه بود. قسمت عمده این مهمات از آمریکا فرستاده شد، تا شوروی‌ها بتوانند در مقابل آلمانی‌ها بایستند و آنها را شکست دهند. دولت آمریکا هزاران کامیون و هواپیما و میلیون‌ها تن ملزومات و مهمات از

---

1. Byrns

راه ایران به شوروی فرستاد. با پایان جنگ، ارتش آمریکا از ایران خارج شد و ارتش انگلیس سر موعد مقرر ایران را تخلیه کرد. مردم و دولت آمریکا متوقع بودند شوروی نیز چنین کند. دولت ایالات متحده توقع دارد ارتش شوروی نیز بنا بر مفاد پیمان سه‌جانبه، تا یک هفته دیگر تخلیه ایران آغاز شود و تا شش هفته دیگر، همگی ارتش سی‌هزار نفری شوروی، ایران را تخلیه کنند و گرنه وی به ارتش آمریکا دستور خواهد داد به ایران بازگردد. این اولتیماتوم بسیار مؤثر واقع شد: روس‌ها قصد نداشتند با آمریکا، که در آن موقع به‌طور انحصاری "بمب اتمی" داشت و شماری از سربازان و ناوگان آنها هم در خلیج فارس و حوالی آن مستقر بودند، درگیر شوند. بنابراین، در ۵ فروردین ۱۳۲۵ / ۲۵ مارس ۱۹۴۶ اعلام کردند که به نظر فرماندهی نیروهای شوروی در ایران، بدون در نظر گرفتن اتفاق غیرمترقبه‌ای، تخلیه کامل ایران در عرض پنج الی شش هفته خاتمه خواهد یافت (هوشنگ مهدوی، ۷: ۱۳۶۸-۶). بر این اساس، با حمایت آمریکا و البته پس از کسب امتیازاتی که شوروی در نظر داشت، بحران تخلیه ایران پایان یافت.



### نتیجه

پیامدهای حضور ارتش آمریکا در ایران طی سال‌های جنگ جهانی دوم، در مقایسه با دیگر دولت‌های متفق به مراتب کمتر بود؛ هر چند که آمریکا نیز به عنوان یکی از متفقین، اشغالگر محسوب می‌شد و همه فعالیت‌های اقتصادی و نظامی آن در راستای اهداف این اتحاد قرار داشت. اشغال، شرایطی تحمیل می‌کرد که ایران را گریزی از آن نبود و باید سخت می‌کوشید تا آسیب‌های ناشی از جنگ را به کمترین میزان کاهش دهد. برای همین هدف، از دولت آمریکا خواسته شد مستشاران مالی خود را به ایران بفرستد تا گامی در جهت اصلاح امور اقتصادی برداشته شود. اگر چه مستشاران، چندان موفق نبودند، اما توانستند با عملکرد خود و اصلاح برخی قوانین برای مدتی هر چند کوتاه، اوضاع پریشان اقتصادی را نظم و نسق دهند. برنامه وام و اجاره و کمک مالی ایالات متحده آمریکا به اقتصاد ایران، با اینکه پس از جنگ بار سنگینی برای بازپرداخت آن بر دوش ایران گذاشت، اما در شرایط حساس روزهای جنگ مؤثر واقع گردید. حضور ارتش آمریکا در ایران روی دیگری نیز داشت: شمار نیروهای نظامی آمریکا در ایران در حد ارتش انگلیس و شوروی نبود، اما رفتار زنده‌برخی از نظامیان آمریکایی، موجب هرج و مرج و بی‌نظمی می‌شد.

## منابع و مأخذ

### اسناد

آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال‌های ۱۳۲۳-۱۳۲۲-۱۳۱۹-۱۳۱۸.  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، مدارک ۲۲۴۵۹-۲۴۰/۲۴۰-۱۴۳۲۰/۲۴۰-۴۳۱۰-۲۴۰.

### کتاب‌ها

- آبراهامیان، یرواند، ۱۳۹۲، *ایران بین دو انقلاب*، چاپ بیست و دوم، ترجمه: احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشرنی.
- آلن ناز، یوناہ الکساندر، ۱۳۷۸، *تاریخ مستند روابط دو جانبه ایران و ایالات متحده آمریکا*، ترجمه: سعیده لطفیان و احمد صادقی، تهران: نشر قومس.
- ابتهاج، ابوالحسن، ۱۳۷۱، *خاطرات ابوالحسن ابتهاج*، جلد ۱، تهران: نشر علمی.
- اسکرین، کلارمونت، ۱۳۶۳، *جنگ جهانی در ایران (خاطرات)*، ترجمه: غلامحسین صالحیار، تهران: نشر سلسله.
- تفق‌دی جامی، محمود، ۱۳۷۷، *گذشته چراغ راه آینده*، تهران: نشر ققنوس.
- خداوردی، حسن، ۱۳۸۸، *روابط ایران و آمریکا از پیروزی انقلاب اسلامی تا تسخیر لانه جاسوسی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ذوقی، ایرج، ۱۳۶۸، *ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم*، تهران: پاژنگ.
- سنجر، ابراهیم، ۱۳۶۸، *نفوذ آمریکا در ایران*، تهران: نشر مؤلف.
- صداقت‌کیش، جمشید، ۱۳۵۷، *روابط ایران و آمریکا در دهه ۵۰*، تهران: نشر دهخدا.
- ۱۳۶۵، کتابچه "آقای دکتر میل‌سپو حق عزل و نصب مدیرکل بانک ملی را ندارد"، صحافی شده توسط: کتابخانه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ش ثبت: ۴۵۱۰۸.
- گازپوروسکی، مارک، ۱۳۷۱، *سیاست خارجی آمریکا و شاه*، ترجمه: جمشید زنگنه، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا.
- ملک محمدی، حمیدرضا، ۱۳۵۸، *ژاندارم و ژنرال*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مدنی، جلال‌الدین، ۱۳۸۰، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، جلد اول، قم: انتشارات اسلامی.

مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۶، اسنادی از اشغال ایران در جنگ دوم، جلد چهارم، تهران: ریاست جمهوری.

میلسپو، آرتور، ۱۳۷۰، *آمریکایی‌ها در ایران*، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ پهلوی، تهران: نشر البرز.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، ۱۳۶۸، *تاریخ روابط خارجی ایران از پایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی*، جلد اول، تهران: انتشارات مؤلف.

\_\_\_\_\_، ۱۳۸۰، *سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۰۰*، تهران: پیکان.

رضازاده ملک، رحیم، ۱۳۵۰، *تاریخ روابط ایران و ممالک متحده آمریکا*، تهران: کتابخانه طهوری.

یسلسون، آبراهام، ۱۳۸۳، *روابط سیاسی ایران و آمریکا ۱۳۴۰-۱۳۰۰*، ترجمه: محمد باقر آرام، تهران: نشر امیرکبیر.

واردی، احمد، ۱۳۹۱، *زندگی و زمانه محمدعلی فروغی*، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، تهران: نامک.

Bullard, Reader, 1961, *The Camels must go*, London, Faber and Faber.

Bullard, Reader, 1991, *Letters from Tehran*, London, I. B. Tauris.

kozubavno. nikolay. A, 2012, *the pretexts and reasons for the Allied invasion if Iran in 1941*, *Journal of the international society for Iranian studies*, volume 45, number.

*Iran political diaries*, 1997, volume 11: 1939-1942, General Editor: Dr. R. M. Burrell, Research Editor: Robert L. Jarman, Archive Edition

